

روزنامه‌نگاری صلح و ارزش‌های خبری آن در ایران؛ نحوه انعکاس اخبار حمله نیروهای ائتلاف به عراق در ۶ روزنامه سراسری کشور (کیهان، رسالت، اطلاعات، همشهری، اعتماد و یاس‌نو)

هادی خانیکی^۱، علی شاکر^۲

چکیده

پژوهش پیش‌رو به روزنامه‌نگاری صلح، که مفهومی به نسبت تازه در ادبیات روزنامه‌نگاری جهان محسوب می‌شود، می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش کمک به تبیین و ارتقای سطح ادبیات موضوعی روزنامه‌نگاری صلح است. در این میان، به تبیین شاخص‌ها و ارزش‌های این شیوه روزنامه‌نگاری پرداخته‌ایم، تا میزان بهره‌گیری شش روزنامه سراسری کشور (کیهان، رسالت، اطلاعات، همشهری، اعتماد، یاس‌نو) را از ارزش‌های صلح، در جنگ میان نیروهای ائتلاف و عراق در فروردین ۸۲ بسنجیم. در این پژوهش، نظریه گالتونگ و چهار مؤلفه اصلی روزنامه‌نگاری صلح (راه‌حل‌گرایی، فرایندمداری، حقیقت‌گرایی و مردم‌گرایی) را مبنا قرار دادیم و دو بایسته اساسی را یعنی «موازن حرفه‌ای» و «اصول اخلاقی» به آن افزودیم؛ بنابراین ادعای نظری ما این است که چهار مؤلفه ذکر شده باید با دو بایسته موازن اخلاقی و حرفه‌ای رابطه‌ای دوسویه داشته باشند و استمرار آن می‌تواند زمینه صلحی پایدار توسط رسانه‌ها را فراهم کند. پس از استخراج و تعریف ارزش‌ها و مؤلفه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری صلح با روش تحلیل محتوا نمونه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان استفاده از مؤلفه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری صلح در دوره مورد بررسی بسیار پایین است و هرچند به مؤلفه مردم‌گرایی در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها بیشتر توجه شده، اما به نظر می‌رسد این امر در جنگ عراق برخاسته از نوعی مجاورت معنوی میان ایران و عراق باشد. از طرف دیگر، انعکاس مظلومیت مردم عراق در شش روزنامه مورد بررسی کاملاً یک‌سویه و محدود به جنگ است و کمتر برای روشن کردن ابعاد و دامنه‌های جنگ تلاش شده است. روزنامه‌ها خبرنگار اعزامی به عراق نداشته‌اند و گزارش‌های توصیفی کمتری به چاپ رسانده‌اند و به جای گزارش‌های تحلیلی و تحقیقی ترجیح داده‌اند ابتدا فقط به مسئله و خبر درگیری میان دو طرف بپردازند.

واژه‌های کلیدی

صلح، جنگ، روزنامه‌نگاری صلح، اخلاق رسانه‌ای

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

alishaker62@gmail.com

۱. استاد گروه علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hadi.khaniki@gmail.com

۱. مقدمه

با گسترش رسانه‌های جمعی در دوران مدرن، جنگ و صلح انسان نیز شکل جدیدی به خود می‌گیرد. به طوری که آدم‌ها نه با کردار زشت «دیگری»، بلکه با تصویر ارائه شده از اوست که می‌جنگند؛ چون حالا به گفته بودریار^۱ این تصاویر است که جای واقعیت را گرفته و میان واقعیت و وانمایی آن تفاوتی نیست؛ انسان‌ها در حوزه «ما فوق واقع» بسر می‌برند و دیگر نمی‌توان از اصل و معنا و ساختار نهفته سخن گفت. هیچ واقعیتی در پس ظواهر نیست (سمتی، ۱۳۸۵: ۱۳). رسانه‌ها برای جلب توجه انبوه مخاطبان و برانگیختن احساسات و هیجان‌های آنان به تهیه و پخش اخبار خشونت‌ها می‌پردازند و اینجاست که دیاموند^۲ و مک‌دونالد^۳ می‌نویسند: این درگیری و خشونت است که خبر می‌سازد و صلح نه! خبر به‌عنوان آنچه که هیجان‌انگیز و متفاوت است، شناخته می‌شود. مردمی که در کنار هم خوشبخت‌اند توجهی به مسائل عمومی ندارند. این خشونت است که قابلیت گزارش دارد و مسائل غیرخشونت‌آمیز خسته‌کننده‌اند (Diamond, 1996: 24).

محسنیان‌راد وجود ارزش خبری درگیری را علت توجه بیشتر به کشمکش‌ها می‌داند (محسنیان‌راد، ۱۳۸۳: ۱۴۱) و گالتونگ توجه بیش از حد به خشونت را در رسانه‌ها ناشی از نبود آموزش در میان دست‌اندرکاران رسانه‌ها ارزیابی می‌کند (Galtung, 1992: 38). پژوهش صلح در این میان خودش را به عنوان دیدگاهی هنجاری مطرح کرد و «صلح» را در کانون ارزش‌های خبری قرار داد. از این نظر روزنامه‌نگاری صلح شاخه‌ای از روزنامه‌نگاری مسئولیت‌پذیر است. هواداران روزنامه‌نگاری صلح از وضعیت گزارشگری جنگ انتقاد می‌کنند؛ برای مثال گالتونگ و وینست^۴ از معیارهای چنین خبری این نوع روزنامه‌نگاری همچون منفی‌گرایی، شخصی‌سازی و نزدیکی به کشورها و اشخاص برگزیده انتقاد کرده‌اند. در این میان شیچا^۵ نیز از تک‌علت دانستن وقایع و نپرداختن به علل و انگیزه کشمکش‌ها ایراد می‌گیرد. به‌علاوه اینکه رسانه‌ها تنها زمانی روی صحنه کشمکش‌ها تمرکز می‌کنند که شاهد نوعی خشونت آشکار باشند. به‌طور کلی انتقادها، مربوط به نوع پوشش خبری خشونت‌محور است که در

-
1. Jean Baudrillard
 2. Diamond
 3. MacDonald
 4. Galtung & Vincent
 5. Schicha

گزارش جنگ‌های معاصر بکار گرفته شده است. به دلیل این انتقادات کالتونگ دو سبک متفاوت در انعکاس اخبار مربوط به جنگ را مطرح می‌کند؛ «روزنامه‌نگاری صلح/ کشمکش» و «روزنامه‌نگاری جنگ/ خشونت». روزنامه‌نگاری جنگ/ خشونت از طرف‌های مختلف در یک منطقه جنگی گزارش می‌دهد و دلایل و راه‌حل و فصل درگیری در همان میدان نبرد مطرح می‌شود. تمرکز اصلی انعکاس اخبار روی این نکته است که کدام طرف درگیری برتر است. به‌طور کلی شیوه این نوع روزنامه‌نگاری بحران حول محور «حاصل جمع صفر» می‌چرخد و به این نکته توجه دارد که کدام طرف برنده است و کدام بازنده! پوشش اخبار تنها با بروز و همه‌گیر شدن خشونت‌های آشکار مثل مرده‌ها، زخمی‌ها و خسارت‌های مادی آغاز می‌شود. از نظر پیروان روزنامه‌نگاری جنگ یا خشونت، جبهه «ما» مدام در معرض دروغ‌گویی و ظلم عاملان طرف «دیگر» است پیروزی، محور اصلی روزنامه‌نگاری جنگ است؛ پس دروغ‌ها و پنهان‌کاری توجیه پیدا می‌کند و حتی می‌توان آن را میان جبهه «ما» نیز سراغ گرفت. این شیوه روزنامه‌نگاری از پوشش ابتکارهای صلح‌طلبانه اجتناب می‌کند. در نتیجه این پرخاشگری‌ها، توجه روزنامه‌نگاری جنگ به بخشی که درگیری داغ‌تری دارد، بیشتر می‌شود. در حالی که ممکن است آتش کشمکش در منطقه قبلی که ما از آن بی‌توجه گذشته‌ایم، شلعه‌ور شده باشد (Hanitzsch, 2004: 484).

این در حالی است که روزنامه‌نگاری صلح/کشمکش اصول دیگری را پی می‌گیرد تا بتواند واسطه کاهش آتش منازعه باشد؛ اما این شیوه روزنامه‌نگاری پیشینه‌ای دارد. از اوایل دهه ۹۰ و بعد از پایان جنگ سرد، در بحث‌های دانشگاهی روی مفاهیم جدیدی همچون «پادرمیانی انسانی نظامی»^۳ و «روزنامه‌نگاری ضمیمه‌ای»^۴ و مفاهیمی مثل «اثر سی.ان.ان.سی»، مدیریت اطلاعات و جنگ مجازی تأکید می‌شود (Gilboa, 2006: 605). این بحث‌ها روی اثرات رسانه‌ها در منازعات تأکید دارد و نشان می‌دهد که همه‌گیر شدن آنها می‌تواند در شکل‌گیری، آتش‌افروزی و یا مهار خشونت تا چه اندازه مؤثر باشد. این در حالی است که ارزش‌های مورد توجه روزنامه‌نگاران در جهان روی مفاهیم مربوط به برخورد و کشمکش متمرکز است. پس برای رسیدن به آرمان

-
1. Our side
 2. Other side
 3. Humanitarian Military Intervention
 4. Embedded Journalism

صلح می‌بایستی به بازتعریف برخی ارزش‌های روزنامه‌نگاری مرسوم در دنیا پرداخت. لزوم این امر در ایران که در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان واقع است بیش از پیش احساس می‌شود. این تحقیق بر آن است که چگونگی کاربرد ارزش‌های خبری روزنامه‌نگاری صلح را در ۶ روزنامه سراسری در فاصله زمانی ۱۶ تا ۲۶ فروردین ۱۳۸۲ مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس پرسش‌ها و فرضیه‌های این تحقیق چنین خواهد بود:

۱. هر کدام از روزنامه‌های یاد شده به چه میزان اقدام به انعکاس مطالب مربوط به جنگ و صلح کرده‌اند؟
۲. رویکرد هر کدام از روزنامه‌های یاد شده نسبت به صلح، در پوشش اخبار درگیری میان عراق و نیروهای ائتلاف توصیفی است یا تحلیلی؟
۳. اخبار مربوط به جنگ از منابع رسمی نقل شده یا منابع غیررسمی بین‌المللی، محلی‌ای و خبرنگار اعزامی سازمان خبری که بیشتر وقایع درگیر است؟
۴. در روزنامه‌های مورد بررسی، کدام‌یک از مؤلفه‌های اساسی روزنامه‌نگاری صلح بیشتر توجه شده بوده است؟

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم صلح

بهتر است ابتدا منظورمان را از صلح بیان کنیم؛ توالی میان جنگ و صلح باعث شده است که یکی از معمول‌ترین تعاریف صلح، حالت «نبود جنگ» باشد. صلح بی‌تردید بعضی از احساس‌های عمیق و پر شور و شوق را بر می‌انگیزد. اما از صلح همان‌گونه می‌توان سخن گفت که از تندرستی چنان‌که: قدر تندرستی را کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید!

تعریف صلح بر مبنای نبود جنگ، در برابر تعریف دیگری قرار می‌گیرد که آن را می‌توان فرایند صلح از طریق صلح یا صلح نامشروط و نامحدود دانست. نکته این نوع صلح اینجاست که آن را فقط گروه‌های برگزیده^۱ اداره نمی‌کنند (ذکاوتی قراقرلو، ۱۳۸۱: ۲۲).

این در حالی است که تصور رومی‌ها از صلح به یک تعریف حقوقی و سیاسی بر می‌گردد. از دیدگاه واژه‌شناسی، پاکس^۲ در زبان رومیان به معنای «انعقاد قرارداد» است. از نظر آنان، مغلوب

1. Elite

2. Pax

در جنگ می‌بایست «مدیون سخاوتمندی مردم روم» باشد و به عبارت دیگر خود را در اختیار آنان بگذارد. به این ترتیب، اگر دولت - شهرها یا قبیله‌های مستقل به‌نوعی حمایت رومی‌ها را می‌پذیرفتند و در زمره متحدان درمی‌آمدند، شرایط مسألت‌جویانه می‌شد (بوتول، ۱۳۷۱: ۳۵-۳۴). اما در این مقاله ما در پی صلح مثبت هستیم. از طرفی صلح مثبت^۱ وضعیتی است که در آن نوعی عدالت استقرار یابد که منظور از آن جلوگیری از تنش‌های سیاسی مبتنی به درگیری است. از طرفی دیگر، صلح منفی^۲ وضعیتی است که در آن فقط جنگ و تنش وجود نداشته باشد. سازمان ملل طرفدار این‌گونه صلح است، تا صلح مبتنی بر عدالت (افتخاریان، ۱۳۸۰: ۱۱۵۰). بدین ترتیب، تنها کافی نیست که بگوییم صلح همان نبود جنگ است. ولی صلح مثبت به این نکته توجه دارد که ساختارهای واجد خشونت را از جامعه زدود. گفته می‌شود که برای رسیدن به چنین صلحی نوع بشر باید بی‌عدالتی‌های درون کشورها را محو سازد. صلح باید به عنوان یک امر مشترک بین همه برقرار شود (ذکاوتی فراگزولو، ۱۳۸۱: ۵۴). از طرف دیگر، امروز صلح را نمی‌توان به‌عنوان امری تزئینی تنها در ساختارهای تنگ سازمان‌ها و تشکیلات جست؛ چون همان‌طوری که گفته شد، ساخت صلح تنها به یک گروه برگزیده تعلق ندارد، بلکه به صورت تفکری درآمده که حامل و سطح تحلیل آن، انسان کنشگر است. انسانی که نه بازیچه، بلکه بازیگر و نقش‌آفرین این صحنه است. این انسان می‌بایست برای برپاداری صلح ابتدا به تحلیل خشونت بپردازد و جنبه‌های مختلف آن را درک کند.

۲-۲. مفهوم خشونت

برای تحلیل مفهوم خشونت می‌بایست میان خشونت آشکار و پنهان تمایز قائل شویم. جنگ، کتک‌زدن، شکنجه‌دادن، مباران یا کشتن از انواع خشونت‌های فیزیکی است و آشکار است که فرد از یک وسیله مثل اسلحه برای رسیدن به هدف‌های خود استفاده می‌کند. اما خشونت «زبانی» و «روانی» وجه پنهان آن هستند.

در عرصه خشونت‌های پنهان دو مفهوم خشونت «ساختاری» و «فرهنگی» خود را نشان می‌دهند. خشونت ساختاری زمانی است که رابطه‌های نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانع‌هایی را پدید می‌آورد که مردم نمی‌توانند از آن فراتر روند، مثل محرومیت یک عده خاص از

1. Positive Peace

2. Negative Peace

حق به دست آوردن غذا، سرپناه، شغل، تحصیل و امنیت. مثل اتوبوس‌های «فقط سفید» نظام آپارتاید آفریقای جنوبی دید یا اتفاق‌هایی که در امریکای زمان تبعیض نژادی وجود داشت. «خشونت فرهنگی» نیز زمانی پدید می‌آید که جنبه‌های خشن یک فرهنگ، توجیه و از آن تمجید می‌شود. این نمونه از خشونت را می‌توان به صراحت بخشی از سنت‌های رایج یا گفتمان‌های غالب در جامعه‌های مختلف - حال چه ناشی از «فرهنگ مردم» یا «فشار حکومت» باشد - نامید که به هر «شکلی» و با هر «دلیلی» و «توجیحی»، تبعیض، فشار، محرومیت را گسترش می‌دهد و افراد جامعه را از حقوق طبیعی و شهروندی خود محروم می‌کند. با این حساب، از منظر سنخ‌شناسی، خشونت دو محور «عمودی» و «افقی» دارد. محور عمودی خشونت به استثمار اقتصادی و سرکوب سیاسی منجر می‌شود و محور افقی آن به کنش‌هایی مربوط است که از کنار هم بودن افراد جلوگیری می‌کند. مانند داستان «لیلی و مجنون»، یا به‌زور نگه‌داشتن افراد کنار هم، درحالی که می‌خواهند از هم جدا باشند، مانند به‌زور شوهردادن دختران (Lynch, 2005: 60).

۲-۳. رسانه‌ها و صلح

ما برای درک جنگ و صلح در عالم چاره‌ای جز استفاده از رسانه‌ها نداریم. چون در عمل نمی‌توانیم همه این اتفاق‌ها را همزمان تجربه کنیم. بنابراین، رسانه‌ها واسطه‌های اخبار جنگ‌های عالم‌اند. اما همین واسطه بر شکل انعکاس وقایع تأثیراتی دارد. سه مکتب اساسی در زمینه تأثیرات رسانه مطرح است. یکی مکتب تأثیرات علی رسانه‌ها، دیگری مکتب تأثیرات انتقالی رسانه‌ها و سوم مکتب تأثیرات ساختارگرایانه! در این میان نظریه‌هایی مطرح می‌شود که به تأثیرات مطلق رسانه، تأثیرات کم رسانه‌ها و همچنین تأثیرات گزینشگری رسانه اشاره می‌کند. برای مثال تأثیرات گزینشگری رسانه‌ها را این‌گونه می‌توان خلاصه کرد که رسانه‌ها در زمان‌ها و شرایط خاصی روی برخی از مخاطبان تأثیرگذارند! (Hanitzsch, 2004:489).

به‌رغم تمام این بحث‌ها مفهوم روزنامه‌نگاری صلح به میزان زیادی روی فرض تأثیرات قدرتمند، علی و خطی رسانه‌ها تأکید دارد. این نظریه نگاه خوش‌بینانه‌ای به تأثیرات رسانه‌ها دارد و تأثیرات ارتباطات میان‌فردی را کوچک فرض می‌کند. از اواسط قرن بیستم این دیدگاه از میان دیدگاه‌های متفاوت سبب مطرح شدن گفتمان نوسازی در ارتباطات توسعه شده است که البته اکنون تحلیل رفته است و صورت تازه‌ای یافته است. نظریه تأثیرات مطلق رسانه‌ها که در دهه ۲۰ میلادی مطرح می‌شود، مخاطبان را توده‌ای انبوه می‌بیند که با رسانه‌ها به یکدیگر وصل

می‌شوند. در مقابل سنت جامعه‌شناسی لازاسفلد^۱ و دیگران فرضیه جریان دومرحله‌ای ارتباط را مطرح می‌کند که پیرو آن نیز نظریه نشر نوآوری‌ها مطرح می‌شود. این نظریه‌ها قائل به اهمیت تأثیر ساختارهای اجتماعی و ارتباطات میان‌فردی روی مخاطبان در جریان ارتباط است. تصور مخاطب منفرد راهی است به سوی این دیدگاه کثرت‌گرایانه که می‌گوید مخاطبان به‌تدریج جریان ناهمسازی کارکردی و فرهنگی جامعه را منعکس می‌کنند (Hanitzsch, 2004: 489).

۲-۴. شکل‌گیری روزنامه‌نگاری صلح

مفهوم روزنامه‌نگاری صلح برای نخستین بار در دهه ۷۰ میلادی به‌وسیله «یوهان گالتونگ»^۲ مطرح شد. آن زمان کتاب‌ها و مقالات کمی در این رابطه منتشر شده بود تا زمانی که لینچ^۳ و مک‌گولدریک^۴ پا به این عرصه گذاشتند و در کتاب خود باعنوان روزنامه‌نگاری صلح، به‌طور عملی به این موضوع پرداختند (Irvan, 2006: 34).

در یک نگاه کلی در تعریف رسانه‌های صلح می‌توان گفت: رسانه‌های صلح شامل همه شکل‌های مربوط به پخش و توزیع برنامه‌های رسانه‌هاست که به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه پشتوانه و مروج گفتمان صلح هستند. این دیدگاه روی تغییرات مثبت در قدرت تأکید می‌کند و به دنبال پیدا کردن جایگزینی برای خشونت و همه‌گیر کردن همدلی میان مخاطبان است و آن را جزء اصلی روابط انسانی می‌داند. رسانه‌های صلح می‌توانند در عین صوتی، تصویری، چاپی و الکترونیکی بودن، وظایف آموزشی، خبری یا سرگرم‌کننده نیز داشته باشند. قطع این رسانه نیز بسته به خلاقیت‌های ما می‌تواند تمام اشکال برنامه‌ها را اعم از خبری، داستانی، مستند و ... را در بر بگیرد. رسانه‌های صلح باید بهترین شیوه را در اتخاذ و برپاداری صلح از طریق آموزش برعهده گیرد. برای مثال پائولو فریره^۵ چارچوب مستحکمی را مطرح می‌کند که به‌نوعی منطبق با رسانه‌های صلح است. مدل فریره بر گفتگو و تفکر انتقادی در آموزش تکیه دارد (Perez, 2006: 27-28).

-
1. The Sociology of Lazasfeld
 2. Johan Galtung
 3. Lynch
 4. McGoldrick
 5. Paulo Freire

هدف عمده آموزش صلح، پرورش و توانا کردن مردم است تا با خلاقیت بیشتر و خشونت کمتر به حل مناقشات بپردازند. آموزش صلح خود نیازمند به دانش و مهارت‌ها، نظریه و عمل فراوان است؛ چراکه پژوهش‌های صلح‌آمیز نوعی دانش اجتماعی کاربردی است. درست مثل تشریح روان‌شناسی یا آسیب‌شناسی کاربردی که فقط هنگامی می‌تواند معنا داشته باشد که به عمل بینجامد. پس برای درک صلح و خشونت ما باید نیازهای ابتدایی انسان برای بقا، رفاه، آزادی و هویت را در نظر بگیریم. هدف توسعه برآوردن آن نیازهاست. خشونت آنها را زیر پا می‌گذارد؛ صلح آنها را محترم می‌شمارد. روزنامه‌نگاری صلح دو بایسته اساسی دارد که عبارتند از اصول حرفه‌ای و اصول حقوقی/ اخلاقی.

۲-۵. اهمیت اصول اخلاقی - حقوقی

برای پیش گرفتن اصول اخلاقی جدید و منطبق با مرام‌نامه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری صلح نیازمند یادآوری همه عهدنامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها و میثاق‌های اخلاقی حرفه‌ای هستیم. یعنی مواردی که در آن به لزوم پیشبرد و تحکیم صلح، دموکراسی، تفاهم و حقوق بشر به‌وسیله رسانه‌ها اشاره شده است.

پیش از شروع جنگ‌های جهانی و آگاهی ملت‌ها از لزوم تصویب عهدنامه‌ها و قطعنامه‌های رسمی در سازمان ملل، اختراع تلگراف و شکل‌گیری اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور، سبب شکل‌گیری عهدنامه‌ای شد که امضاءکنندگان آن علاوه بر سایر جنبه‌های مثبت استفاده از تلگراف به نقش ویژه آن در حفظ صلح و امنیت جهانی توجه کردند (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۱۷). پس از جنگ جهانی اول و وقوع انقلاب روسیه و در پی امضای قرارداد ورسای در سال ۱۹۱۹، با تأسیس جامعه ملل، مسائل مربوط به حفظ صلح و آرامش جهانی و ایجاد تفاهم و همکاری بین‌المللی از سوی این سازمان مورد توجه قرار گرفت. این مجمع در جریان ششمین اجلاس سالانه خود در سال ۱۹۲۵ قطعنامه‌ای راجع به همکاری مطبوعات در سازماندهی صلح به تصویب رساند (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۲۰).

یازده سال بعد از این قطعنامه، در حالی که بر اثر قدرت‌یافتن نظام دیکتاتوری ناسیونال سوسیالیستی در آلمان تشدید تبلیغات سیاسی رادیوی آن علیه سایر کشورهای اروپایی، خطرات استفاده سیاسی منفی از این وسیله جدید ارتباطی رو به افزایش گذاشته بود، مجمع جامعه ملل «عهدنامه بین‌المللی مربوط به کاربرد پخش رادیویی به نفع صلح» را در سال ۱۹۳۶ مورد تصویب قرار داد. بدین ترتیب، دولت‌های عضو جامعه ملل باید موظف می‌شدند که پخش هرگونه

برنامه‌ای را که امکان دارد در کشورهای خارجی ناآرامی داخلی پدید آورد ممنوع کنند، در صورت وجود چنین برنامه‌ای آن را متوقف سازند، کوشش و مراقبت کنند که برنامه‌های پخش شده از سرزمین آنها، سبب تحریک جنگ نشود (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۲۱)، ولی به دلیل شرایط بحرانی جنگ جهانی دوم این قطعنامه‌ها ضمانت اجرا پیدا نکرد.

بعدها با تصویب عهدنامه تأسیس سازمان ملل متحد در نخستین هفته‌های بعد از جنگ دوم جهانی و در منشور این سازمان به ضرورت برقراری صلح اهمیت زیادی داده شد و همان سال اول تأسیس ضمن تأکید بر برگزاری اجلاسی برای تشکیل کنفرانس بین‌المللی درباره آزادی اطلاعات سال بعد قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد راجع به ضرورت اقدام علیه تبلیغ سیاسی برای جنگ به تصویب رسید. این مجمع در اجلاس سال دوم خود قطعنامه‌ای هم راجع به اخبار نادرست یا تحریف شده به تصویب رساند (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۲۹-۲۱). پیش‌نویس بین‌المللی اصول اخلاقی برای پرسنل اطلاعات، مصوب سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۲ بر ضرورت برخورداری از دانش کافی هنگام اظهار نظر در مورد حوادث مربوط به کشورهای خارجی اشاره دارد و ماده ۶ مجموعه مقررات سازمان بین‌المللی روزنامه‌نگاران در نوامبر ۱۹۷۳ بر پرهیز از تأکید یا اصرار بر مسائلی که می‌توانند موجب بی‌حرمتی و دشمنی شوند. کمیسیون مک‌براید و پارلمان مذاهب جهانی نیز دستورالعمل‌هایی برای تشویق و وادار ساختن رسانه‌ها به پیشبرد صلح و دموکراسی وضع کرده‌اند (فرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). «روزنامه‌نگاری صلح» به عنوان یک مفهوم (خط مشی) به نسبت جدید است که ایده کلی آن ریشه در دو سند مهم یونسکو دارد. نخستین سند بیانیه رسانه‌های جمعی است که در سال ۱۹۷۸ در بیستین نشست مجمع عمومی در پاریس به تصویب رسید. در بند ۳ این بیانیه آمده است:

۱. رسانه‌های جمعی سهم مهمی در تقویت صلح و تفاهم بین‌المللی و مقابله با نژادپرستی، آپارتاید و انگیزه جنگ دارند.

۲. در مقابله با جنگ خانمان سوز، نژادپرستی، آپارتاید و سایر موارد نقض حقوق بشر که به دلیل جهل و تعصب در میان اشخاص به وجود می‌آیند، رسانه‌های جمعی با انتشار اطلاعات در مورد اهداف، آرمان‌ها، فرهنگ و نیازهای تمامی افراد برای حذف جهل و سوءتفاهم میان مردم، حساس کردن اتباع یک کشور نسبت به نیازها و خواسته‌های دیگران، تضمین احترام به حقوق و شان همه ملت‌ها و همه مردم و همه اشخاص فارق از نژاد، جنسیت، زبان، مذهب یا ملیت و جلب توجه نسبت به آسیب‌های بزرگی چون فقر، سوء تغذیه و بیماری‌ها

که بشریت را مبتلا کرده‌اند، شرکت می‌کنند. بدین ترتیب ترویج این فرمول توسط سیاست‌های دولتی، بهترین قابلیت برای کاهش کشمکش‌های بین‌المللی و افزایش حل و فصل صلح‌آمیز و منصفانه منازعات بین‌المللی است. دومین سند یونسکو «اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری» است، تصویب شده در چهارمین نشست مشورتی منطقه‌ای و بین‌المللی زیر نظر یونسکو در سال ۱۹۸۳. هشت سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی روزنامه‌نگاری به نمایندگی از ۴۰۰ هزار روزنامه‌نگار با این مجموعه قوانین اخلاقی مهم موافقت کردند. دو اصل از این مجموعه به روزنامه‌نگاری صلح مربوط می‌شود. اصل هشتم، درباره محترم شمردن ارزش‌های بین‌المللی و گوناگونی فرهنگ‌ها تصریح می‌کند: «یک روزنامه‌نگار حقیقی، به طرفداری از ارزش‌های همگانی انسانی و بالاتر از همه صلح، دموکراسی، حقوق بشر، پیشرفت اجتماعی و آزادی شهروندی بر می‌خیزد. این روزنامه‌نگار در دگرگونی‌های اجتماعی برای بهبود دموکراتیک جامعه فعالانه سهم می‌شود و از طریق گفتگو به تشکیل فضایی از اعتماد در روابط بین‌المللی که منجر می‌شود به صلح و عدالت فراگیر شرکت می‌کند» (فرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

اصل ۹، حذف جنگ و سایر شرارت‌های پیش روی انسانیت، تعهدات اخلاقی را یادآور می‌شود: «التزام اخلاقی به ارزش‌های انسانی همگانی، روزنامه‌نگاران را ملزم می‌کند به پرهیز از هرگونه تصدیق یا تحریک برای جنگ‌های تجاوزطلبانه و تمام انواع دیگر خشونت، دشمنی یا تبعیض، به‌ویژه نژادپرستی و آپارتاید ... به این وسیله روزنامه‌نگار می‌تواند به حذف جهل و سوءتفاهم میان مردم یاری و اتباع یک کشور را نسبت به خواسته‌ها و نیازهای دیگران حساس کند ...» (فرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۶) فرضیه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری صلح سازمان‌های روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را ملزم می‌کند به پذیرش ضوابط اخلاقی که می‌توانند روزنامه‌نگاران را در تهیه اخبار متمایل به صلح از موضوعات جدال برانگیز راهنمایی کنند (Irvan, 2006: 34).

در قوانین ایران گذشته از اصل ۲۴ قانون اساسی که مطبوعات را در بیان مطالب آزاد می‌داند، قانون مطبوعات حدودی را برای عملکرد روزنامه‌های تعیین کرده است. ماده ۲ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ رسالت مطبوعات را گذشته از روشن ساختن افکار عمومی و پیشبرد اهداف قانون اساسی تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر مانند دسته‌بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و ... می‌داند. بند پنجم ماده ۶ این قانون که مربوط به حدود مطبوعات، روزنامه‌ها را از تحریر و

تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران منع می‌کند. به این ماده یک بند الحاقی در سال ۱۳۷۹ اضافه شد که پخش شایعات و مطالب خلاف واقع یا تحریف مطالب دیگران را نیز منع می‌کند. بنابراین، بیش از آن که ما شاهد خلاء مقررات باشیم، عدم اجرا و پایبندی به این اصول مطرح است. اما با وجود تمام این قوانین جهان همچنان شاهد غربت روزنامه‌نگاری صلح و غیبت رسانه‌های صلح محور است.

علت این امر را باید در ساختارهای قدرت ملی و فراملی، شرایط و جایگاه آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان، شکل‌گیری نهادهای مدنی و ساختارهای حرفه‌ای و ... جست. به عبارت دیگر، اهداف اخلاقی در نهایت گروگان قوانین نهادی، ملی و بین‌المللی‌ای هستند که به موجب آن دنبال می‌شوند یا نمی‌شوند. دو اصل محوری همیشه در بیشتر بحث‌های مربوط به اخلاق رسانه‌ای مطرح هستند؛ یعنی دموکراسی در سطح ملی و صلح در بافت بین‌المللی. آزادی اطلاعات، مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها، دسترسی و مشارکت رسانه‌ای و حق ارتباط، مفاهیم کلیدی این گفتمان را تشکیل می‌دهند (تهرانیان، ۱۳۸۰: ۱۳).

از طرف دیگر، نباید فراموش کرد که تامین و تضمین آزادی برای فعالیت‌های حرفه‌ای و استقلال رسانه‌ها از منابع قدرت و ثروت، به رسمیت شناختن و ایجاد ساختارهای متکثر رسانه‌های و تشویق محیط رقابت حرفه‌ای به منظور متنوع‌سازی محتوای رسانه‌ها برای خدمت به صلح، تفاهم، دموکراسی و تامین حقوق شهروندی ضروری است (فرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

به موجب ماده ۱۹ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور، شامل آن است که از داشتن عقاید خود، بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۳۵).

«کمیسیون حقوق بشر»، در سال ۱۹۴۷، برای بررسی درباره حقوق و تکالیف و شیوه‌های عملی مورد نظر در مفهوم «آزادی اطلاعات» و تهیه دستور کار جلسات «کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات»، یک «کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات و مطبوعات»، ایجاد کرد. سند نهایی «کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات» حاوی دو قطعنامه اصولی درباره مبانی آزادی اطلاعات و حراست این آزادی است (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۳۱). اگر در کشورهای در حال توسعه این قدرت متمرکز حکومت است که انحصار رسانه‌ای به وجود می‌آورد و محدودیت‌های بی‌شماری در راه آزادی بیان ایجاد می‌کند، اما در کشورهای توسعه‌یافته مدیریت‌ها و مالکیت‌های وابسته به منابع

سرمایه‌داری یا منابع قدرت عملاً در انتشار عینی، بی‌طرفانه و دستکاری نشده حقایق اختلال ایجاد می‌کنند. به طوری که انحصار رسانه‌ها در بخش روزنامه، تلویزیون، رادیو و کتاب تنها در دست تعداد محدودی از شرکت‌های بزرگ چندملیتی است و هر اثر رسانه‌ای می‌بایستی فقط از مجاری این چند شرکت برای انتشار عبور کند (باگدیکیان، ۱۳۸۵: ۱۲).

به نظر ما، اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و اخلاق شکل گرفته حول آن در طول چند قرن اخیر، اقتضات اخلاقی و غیراخلاقی خاص خودش را شکل داده که تصحیح و هدایت آن به سمت فهم متقابل، برجسته نکردن اختلاف‌ها و تأکید بر نوعی وفاق جمعی، نیازمند آموزش و همچنین الزام بیشتر میثاق‌های اخلاقی است. اینجاست که ضرورت تدوین مقررات بین‌المللی مؤثرتر تلاش کرد.

۲-۶. اهمیت رعایت موازین حرفه‌ای

اهمیت ارزش «کشمکش» در رسانه‌ها، مهمترین دلیل وجود برخورد در میان ارزش‌های خبری است. این یکی از بارزترین ویژگی‌های رسانه برای نقش آنها در جنگ‌پزدازی است.

خشونت و جنگ در میان رسانه‌های جهان در سه حوزه دیده می‌شود:

۱. صحنه‌های واقعی یا ساختگی از جنایت که ریشه آن را در مطبوعات زرد قرن ۱۹ می‌توان یافت. در قرن حاضر نیز خشونت در رسانه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. به این علت که رسانه‌های جنوب از نظر محتوایی به رسانه‌های شمال پیوند خورده‌اند، این محتوا به آن رسانه‌ها نیز منتقل می‌شود.

۲. ارزش «برخورد» در اخبار شمال و جنوب: تحلیل محتوای ۱۰ روزنامه پرتیراژ ایران نشانه داده که مطالب دارای ارزش برخورد (مطالب نظامی، دفاعی و خشونت سیاسی) با سهمی معادل ۱۲/۳ درصد پس از دو ارزش «شهرت» و «درب‌گیری» در رتبه سوم قرار گرفته است. ضمن آنکه همین تحقیق نشان داده که حدود ۴۳ درصد از مطالب روزنامه‌های مذکور از منابع خبری شمال تأمین شده و سهم آن ۱/۵ برابر تولیدات اختصاصی روزنامه یا خبرگزاری داخلی بوده است (بدیعی، ۱۳۷۷: ۲۶).

۳. شیوه نگاه رسانه‌ها به جهان بیرون: در میان اخباری که از بیرون مرزهای ما ارسال می‌شود ارزش برخورد اهمیت خاصی دارد. کشورهای جنوب سال‌هاست که در معرض رسانه‌های شمال هستند و می‌گویند: کشورهای ما زمانی زیر پوشش اخبار رسانه‌های غرب قرار می‌گیرند که رویداد، حاوی ارزش برخورد باشد (محسنیان‌راد، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

اینجاست که لزوم برجسته‌سازی ارزش‌های صلح اهمیت می‌یابد؛ چراکه برخی اصول، معیارها، نظریه‌های علمی و حرفه‌ای در عرصه‌ی روزنامه‌نگاری ملی و بین‌المللی باید مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرد. برای نمونه، باید ارزش جدیدی به فهرست ارزش‌های خبری شناخته شده در حوزه رسانه‌ها که بیشتر مبتنی بر منفی‌گرایی و بهادادن به ارزش برخورد و کشمکش است، باعنوان ارزش صلح، تفاهم و دموکراسی افزوده شود. فرایند دروازه‌بانی خبر نیز باید از تأکید بر انتخاب اخبار و رویدادهای منفی و حاوی ارزش برخورد و کشمکش به تأکید بر اخبار و رویدادهای صلح‌مدار و تقویت‌کننده تفاهم و مدارا را سوق داده شود. همچنین در زمینه برجسته‌سازی رویدادها، برجسته‌سازی صلح می‌بایست جایگزین برجسته‌سازی جنگ شود و این نیازمند تغییر فرهنگ رسانه‌ای است (فرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

۲-۷. مدل روزنامه‌نگاری صلح گالتونگ

چنان‌که در بخش‌های پیشین آمد، یوهان گالتونگ، اندیشمند و محقق برجسته نروژی، نخستین کسی است که برای نخستین بار مدل روزنامه‌نگاری صلح را مطرح کرد. از منظر گالتونگ روزنامه‌نگاری صلح، رویکردی جایگزین در برابر شیوه گزارشگری متعارف در پوشش اخبار درگیری است که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاصی همچون راه‌حل‌گرایی^۱، فرایندمداری^۲، حقیقت‌گرایی^۳ و مردم‌گرایی^۴ به خبرنگاران و گزارشگران اخبار درگیری این امکان را می‌دهد که به شیوه منطقی و با رعایت معیارهای ویژه درگیری را پوشش داده و برای رفع یا کاهش اثرات زیانبار آن تلاش کنند:

راه‌حل‌گرایی؛ گالتونگ معتقد است که راه‌حل‌گرایی، تنظیم راه‌حل‌های پیشنهادی همراه با خلاقیت و ابتکار عمل در جهت رفع درگیری است (Lynch & McGoldrick, 2005: 6) به‌عبارت دیگر، منظور از راه‌حل‌گرایی این است که خبرنگاران در فعالیت حرفه‌ای خود تا چه اندازه راه‌حل‌های مختلف را برای رفع یا کاهش درگیری بکار می‌گیرند.

-
1. Solution Oriented Approach
 2. Process Oriented Approach
 3. Truth Oriented Approach
 4. People Oriented Approach

فرایندمداری؛ یعنی خبرنگار هنگام نوشتن و تنظیم خبرها، بتوانند راجع به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و سابقه پیدایش رویدادها گزارش تهیه کند. این نوع خبرها از یک گزارش یا مسئله مجرد و منفک فراتر می‌روند تا درکی منظم، قاعده‌مند و جامع را منتقل کنند. هدف از این نوع اخبار آگاه کردن مردم است.

حقیقت‌گرایی؛ یعنی خبرنگار باید ناراستی‌های همه طرف‌های درگیر را بازگو کند و تنها به بیان ناراستی‌های یک طرف نپردازد؛ چرا که حقیقت همه طرف‌ها را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر منظور از حقیقت‌گرایی آن است که خبرنگار در گردآوری و پردازش اخبار تا چه میزان به حقایق توجه می‌کند.

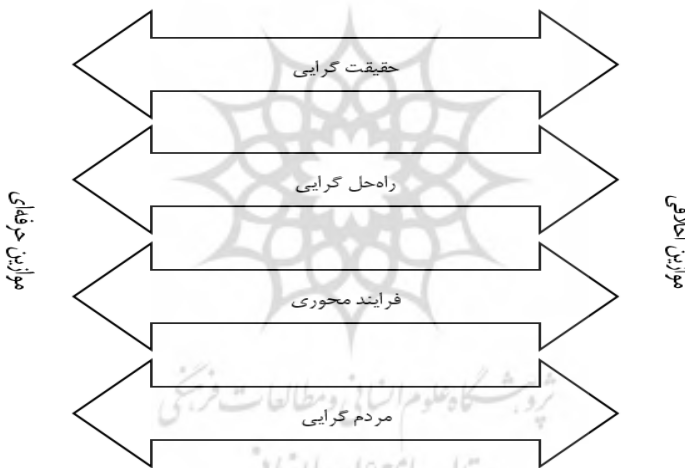
مردم‌گرایی؛ گالتونگ مردم‌گرایی نقطه مقابل نخبه‌گرایی می‌داند و معتقد است که تأکید و تمرکز بر رنج‌ها (رنج زنان، کودکان و سالمندان)، منعکس کردن صدای کسانی که طرفدار صلح هستند و علاوه بر آن بیان صداهای بی‌صدا و خاموش از نشانه‌های مردم‌گرایی است. به عبارت دیگر در این پژوهش منظور از مردم‌گرایی آن است که محقق تا چه اندازه دیدگاه‌ها و اظهارات مردم را در گردآوری خبرهای درگیری بازگو و منعکس و به رنج آسیب‌دیدگاه توجه می‌کند (انفرادی، ۱۳۸۷: ۱۰-۹)

۲-۸. مدل نظری

آنچه در این بخش از فصل دوم پژوهش آمد، پیش‌زمینه‌ای بود تا نشان دهیم مؤلفه‌های روزنامه‌نگاری صلح از دو دروازه «موازین حرفه‌ای» و «اصول اخلاقی - حقوقی» متناسب با آموزه‌ها و فرهنگ صلح می‌گذرد و با آنها رابطه‌ای دوسویه دارد. به نظر ما هرچند که روزنامه‌نگاری صلح شیوه‌ای جایگزین^۱ برای ارائه اخبار است و در زمان جنگ بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی توجه صرف به این شیوه روزنامه‌نگاری تنها در زمان جنگ، تعریف صلح منفی را به ذهن می‌آورد؛ روزنامه‌نگاری صلح نیازمند پیش‌زمینه‌های فرهنگی آموزشی است و تا زمانی که فرهنگ مدارا و سازش در جامعه شکل نگیرد، نمی‌توان سراغی هم از روزنامه‌نگاری صلح گرفت. بنابراین روزنامه‌نگاری صلح شیوه‌ای جایگزین برای از بین بردن محرک‌های احتمالی کشمکش و درگیری است. این شیوه روزنامه‌نگاری مانند آینه‌ای هوشمند عمل می‌کند؛ یعنی در

عین انعکاس اعمال طرف‌های درگیر (حقیقت‌گرایی) سعی می‌کند پیش‌زمینه‌ها و تبعات اعمال دو طرف را نیز به آنها نشان دهد (فرایندمحوری) این تبعات آثار پنهان درگیری و دردهای و رنج‌های ناشی از آن روی زنان، کودکان و سالخورده‌گان را نیز شامل می‌شود و خود بخشی مستقل از این شیوه روزنامه‌نگاری را در بر می‌گیرد. (مردم‌گرایی) اما روزنامه‌نگاری صلح تنها در این سه مرحله باقی نمی‌ماند و نسبت به راه‌حل‌های پیشنهادی همراه با خلاقیت و ابتکار عمل در جهت رفع درگیری است، حساس است (راه‌حل‌گرایی).

اما همان‌طوری که اشاره شد رسیدن به این چهار مرحله نیازمند دو بایسته اخلاقی - حقوقی و حرفه‌ای است. نگارندگان قصد دارند ضمن بررسی شش روزنامه سراسری کشور در زمان جنگ راق و نیروهای ائتلاف نشان دهند که به کدام یک از این مؤلفه‌های روزنامه‌نگاری صلح بیشتر توجه شده است.



شکل ۱. دو مؤلفه اصلی برای شکل‌گیری روزنامه‌نگاری صلح

با وجود تمام انتقادهایی که به روزنامه‌نگاری صلح می‌شود، اما نمی‌توان حضور و ضرورت آن را نادیده گرفت. این شیوه روزنامه‌نگاری مثل دیگر سبک‌های روزنامه‌نگاری امری نیست که کسی آن را ابداع یا اختراع کرده باشد، بلکه این شیوه را پژوهشگران روزنامه‌نگاری از دل سبک‌های مختلف انعکاس اخبار بیرون کشیده‌اند. به نظر ما، این شیوه پیش از آن‌که متعلق به جریان غالب روزنامه‌نگاری باشد، سبکی جایگزین برای خواباندن آتش جنگ‌هاست. امری که

ممکن است هر روزنامه‌نگاری در هر جایی از دنیا به آن علاقمند باشد و برای رسیدن به آن تلاش کند، بی‌آنکه شاید خود بداند که نام این سبک خبرنگاری، «روزنامه‌نگاری صلح» است.

۲-۹. ارزش‌های خبری روزنامه‌نگاری صلح در روزنامه‌های ایران

برای آزمون اینکه آیا در روزنامه‌های ایران روزنامه‌نگاری صلح به کار گرفته شده یا نه، باید این موضوع در فضای جنگی ویژه‌ای مورد مطالعه قرار می‌گرفت. از آنجا که عراق خود هشت سال با ایران در جنگ بوده و آرایش جمعیتی، قومی و مذهبی آن باعث می‌شود که ما گذشته از مجاورت جغرافیایی با آن مجاورت معنوی هم داشته باشیم. بنابراین حمله نیروهای ائتلاف در روزهای آخر اسفند ۱۳۸۱ به عراق برای آزمون میزان استفاده از ارزش‌های صلح در روزنامه‌های ایران در فروردین ۸۲ مناسب به نظر رسید. بر این اساس موضوع این تحقیق تحلیل محتوای اخبار جنگ ائتلاف علیه عراق در روزنامه‌های سراسری ایران است.

۳. روش پژوهش

برای پاسخگویی به این سؤالات و فرضیه‌ها از روش تحلیل محتوا کمی کمک گرفته شد. تحلیل محتوا کمی، آزمون نظام‌مند، سیستماتیک و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی است که در آن ارزش‌های عددی براساس قوانین معتبر اندازه‌گیری و به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین ارزش‌ها تحلیل می‌شود.

برای انجام این تحقیق، شش روزنامه کیهان، رسالت، اطلاعات، همشهری، اعتماد و یاس نو در مدت شروع جنگ تا زمان اشغال بغداد و شهرهای شمالی عراق و برگزاری نشست ناصریه به صورت منظم تمام‌شماری می‌شوند. از آنجایی که تا ۱۶ فروردین ماه روزنامه‌ها به دلیل تعطیلات نوروز منتشر نمی‌شوند بنابراین، این شش روزنامه در مدت ۱۰ روز (تا ۲۶ فروردین ۸۲ که نشست ناصریه در این روز برگزار شد) تمام‌شماری خواهد شد. نحوه انتخاب روزنامه‌ها به ترتیبی بوده است که از آن میان دو روزنامه مشهور به طیف راست و محافظه کار (کیهان و رسالت) انتخاب شده‌اند دو روزنامه مشهور به طیف چپ و اصلاح‌طلب (یاس نو و اعتماد) و دو روزنامه نیز از طیف مشهور به میانه‌رو و غیرسیاسی‌تر (اطلاعات و همشهری).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. فرضیه اول: میزان استفاده از ارزش‌های مربوط به صلح در روزنامه‌های مورد بررسی برای پوشش اخبار مربوط به جنگ عراق کم است:

روزنامه‌ها؛ در مجموع شش روزنامه مورد بررسی در طول ۱۰ روز ۸۹۹ مطلب خود را به جنگ نیروهای ائتلاف و عراق اختصاص داده‌اند که در این میان بیشترین فراوانی مربوط به روزنامه کیهان با ۲۲۳ مطلب (۲۴/۸ درصد) و کمترین تعداد مربوط به روزنامه همشهری است با ۹۳ مطلب (۱۰/۳ درصد).

محتوای مطلب؛ در میان روزنامه‌های مورد بررسی و محتواهای مربوط به جنگ و صلح چهار روزنامه اطلاعات، همشهری، اعتماد و یاس نو بیشترین (۱۵/۷ درصد) مطالب خود را به «عملیات جنگی» اختصاص داده‌اند. کیهان نیز بیشترین تاکید را بر دردها و رنج‌های یک طرف درگیری داشته است (۵۱ درصد). به عبارت دیگر، به جز روزنامه رسالت که بیشترین مطالبش به آثار پنهان و روحی جنگ گرایش دارد (۲۲ درصد) و این خود مؤلفه‌ای از صلح است، بقیه روزنامه‌ها در محتوای خود گرایش به جنگ داشته‌اند.

نوع نگاه مطلب؛ به جز روزنامه‌های اعتماد و یاس نو که نگاه افشاگرانه و توجیه‌گر در آنها بیشترین فراوانی را دارد، بقیه نوع نگاه‌ها در روزنامه‌ها گرایش به انتقاد از امریکا و نیروهای ائتلاف دارد. به عبارت دیگر هیچ‌کدام از روزنامه‌ها به نگاه احترام‌آمیز و انصاف‌مدار که گرایش به صلح دارد توجهی نشان نداده‌اند.

شیوه ارائه مطلب؛ به جز روزنامه اعتماد که بیشترین مطالبش را به صورت تفسیر، نقد و سرمقاله (۲۹/۶ درصد) ارائه داده است، بقیه روزنامه‌ها بیشترین مطالب خود را به صورت خبر و ترجمه منتشر کرده‌اند. به عبارت دیگر، روزنامه‌ها تنها به انعکاس اخبار صرف بسنده کرده‌اند و استفاده از شیوه‌هایی که در آن روزنامه‌نگار می‌تواند بیشتر به تعمق، ریزبینی و توجه ارزش‌های مربوط به رفع درگیری بپردازد، کم است. فراوانی گزارش و مصاحبه‌ها پایین است و بیشترین گزارش‌ها، گزارش خبری است.

گزارش؛ بیشترین گزارش‌ها به شیوه خبری (۸۳/۸ درصد) ارائه شده‌اند و بقیه شیوه‌های گزارشگری همچون گزارش تصویری، تحقیقی و تحلیلی ۱۶/۲ درصد از دیگر گزارش‌هایی را که می‌توانند عمیق‌تر به مناقشه میان دو طرف بپردازند، تعلق دارد.

مصاحبه؛ در مدت مورد بررسی ۹۷/۶ درصد از مطالب هیچ مصاحبه‌ای در صفحات خود کار نکرده‌اند و در میان ۲۲ مصاحبه ۶۸/۲ درصد با صاحب‌نظران ایران انجام شده.

نقل قول در اخبار؛ از ۸۹۹ مطلب مورد بررسی، تنها ۱۷۸ مطلب هم خبری هستند و هم منبع نقل قول‌شان مشخص است. بیشترین تعداد نقل قول‌ها از مراجع و صاحب‌نظران سیاسی با (۳۲ درصد) و کمترین آن مربوط به رئیس مجلس و سخنگوی وزارت امور خارجه با ۶ مورد (۳/۴ درصد) است.

ترجمه اخبار؛ تنها ۲۲ مورد (۲/۴ درصد) از مطالب ترجمه اخبار بوده‌اند که روزنامه‌های یاس‌نو و اعتماد بیشترین فراوانی این ترجمه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. فراوانی این ترجمه‌ها از سوی خبرگزاری‌های خارجی بیش از بقیه است. در عین حال ۸۷۷ مطلب غیرترجمه‌ای بوده‌اند. بیشترین ترجمه‌ها با ۱۰ مورد (۴۵/۵ درصد) از روزنامه‌های خارجی است و کمترین میزان آن با یک مورد (۴/۵ درصد) مربوط به رادیو تلویزیون‌های خارجی است. این در حالی است که روزنامه کیهان هیچ‌گونه خبر ترجمه‌شده‌ای در ۱۰ روز مورد بررسی منتشر نکرده است. اعتماد و یاس‌نو همچنین به ترتیب با چهار و پنج مورد (۶۶/۷ و ۶۲/۵ درصد) بیشترین فراوانی نقل قول از روزنامه‌های خارجی را نیز به خود اختصاص داده‌اند.

ذکر منبع ابتدای مطلب؛ از میان ۸۹۹ مطلب مورد بررسی ۵۰۹ مورد به هیچ‌گونه منبع خاصی در ابتدای مطلب اشاره نکرده‌اند و بیشترین تعداد منابع ذکر شده با ۱۴۸ مورد (۱۶/۵ درصد) در ابتدای مطالب مربوط به خبرگزاری‌های داخلی ایران است.

ماهیت مطالب؛ بیشتر مطالب رویدادگرا هستند و مسئله محدودیت زمان و تازگی اخبار برای آنها اهمیت زیادی داشته است. کیهان بیشترین مطالب رویدادمدار و رسالت بیشترین مطالب موضوع‌مدار را در جنگ میان نیروهای ائتلاف و عراق به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر، توجه روزنامه‌ها بیشتر به رویدادی بوده که در حال اتفاق است و نه موضوع جنگ. اینجاست که نمی‌توان از آنها انتظار داشت موضوع صلح را نیز برجسته کنند.

عکس؛ بیشتر مطالب عکس نداشته‌اند و آن تعداد مطالب محدود دارای عکس در بیشتر موارد منبع ناشخص داشته‌اند. محتوای عکس تمام روزنامه‌ها به غیر از همشهری، غیرنظامی است و تنها همشهری است که عکس‌های مربوط به درگیری را بیشتر از سایرین در صفحات خود به چاپ رسانده است. بیشتر عکس‌های غیرنظامی هم متعلق به روزنامه رسالت است.

زمان و مکان درگیری؛ روزنامه‌نگاری صلح درگیری‌ها را محدود به زمان یا مکان خاصی نمی‌داند و تبعات و نتایج حال و آینده درگیری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما این در حالی است

که تمام روزنامه‌های مورد بررسی، از منظری محدود به مکان و زمان درگیری نگریده‌اند. بیشترین مطالب مربوط به محدوده مکانی و زمانی محدود از آن روزنامه کیهان است و بیشترین مطالب مربوط به گسترده‌بودن محدوده مکانی و زمانی درگیری متعلق به روزنامه رسالت است. به عبارت دیگر، روزنامه رسالت بیش از روزنامه‌های دیگر به تبعات جنگ و مسائل پشت پرده آن اشاره کرده است.

جمع‌بندی مطالب؛ روزنامه‌های کیهان، اطلاعات و همشهری در جمع‌بندی مطالب خود یا به انتقاد یک طرف درگیری یعنی نیروهای ائتلاف و آمریکا پرداخته‌اند و یا آنکه در مطالب خود هیچ‌گونه جمع‌بندی مشخصی نداشته‌اند. ارزش‌هایی چون انتقاد از جنگ میان طرفین، تأکید بر رفع درگیری و پرداختن به مسائلی که هر دو طرف نمی‌خواستند اتفاق بیفتند، جزو کمترین فراوانی‌های جمع‌بندی مطالب است. همان‌طوری که نشان داده شد، متغیرهایی که برای نشان دادن ارزش‌های مربوط به صلح در مطالب طراحی شده بودند، از فراوانی کمی برخوردارند و در تمام متغیرها این ارزش‌های مربوط به جنگ است که رتبه نخست را به خود اختصاص داده است.

همان‌طور که می‌بینید، میزان استفاده از مؤلفه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری صلح در دوره مورد بررسی و شش روزنامه انتخاب شده، کم است و آنچنان میزان استفاده از این ارزش‌ها مثبت و صلح‌آمیز پایین است که نمی‌توان گفت این ارزش‌ها از سر آگاهی و قصد وارد مطالب شده‌اند. به عبارت دیگر، به دلیل عدم آگاهی از آن به صورت ناخودآگاه یا خودآگاه به سمت جنگ کشیده می‌شویم. به این ترتیب فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

۴-۲. فرضیه دوم؛ زشتی‌ها و جنایات جنگ به‌طور مستقیم و عریان توصیف می‌شوند و از زوایای پنهان زشتی‌های جنگ، غفلت می‌شود تا بدین ترتیب ظلم یک طرف درگیری را برجسته‌تر شود.

جدول ۱. تفاوت بین روزنامه‌های مورد بررسی از نظر توصیف صحنه‌های خشن

نام روزنامه							
توصیف صحنه‌های خشن	کیهان	رسالت	اطلاعات	همشهری	اعتماد	یاس‌نو	جمع
مستقیم	فراوانی	۵	۱۲	۷	۲	۱	۲۹
	درصد سطری	۱۷/۲	۴۱/۴	۲۴/۱	۶/۹	۳/۴	۱۰۰
	درصد ستونی	۱۰۰	۵۷/۱	۱۰۰	۱۶/۷	۳۳/۳	۵۶/۹
غیرمستقیم	فراوانی	--	۹	--	۱۰	۲	۲۲
	درصد سطری	--	۴۰/۹	--	۴۵/۵	۹/۱	۱۰۰
	درصد ستونی	--	۴۲/۹	--	۸۳/۳	۶۶/۷	۴۳/۱
جمع	فراوانی	۵	۲۱	۷	۱۲	۳	۵۱
	درصد سطری	۹/۸	۴۱/۲	۱۳/۷	۲۳/۵	۵/۹	۱۰۰
	درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

DF= ۵

X²= ۱۷/۸۰۳

Sig= .۰/۰۰۳

Cramer's V= .۰۵۹۱

با توجه به این جدول و نتیجه آزمون کای اسکوئر به عمل آمده به میزان ۱۷/۸۰۳ و درجه آزادی ۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۳ با قبول یک درصد خطا از نوع اول، نتیجه می‌گیریم تفاوت بین روزنامه‌های مورد بررسی از تأکید روی منطقه درگیری تفاوت معناداری وجود دارد؛ نتیجه آزمون کرامر برابر با ۰/۵۹۱ نیز بیانگر همبستگی نسبتاً قوی بین متغیرهای پیش‌گفته است. از ۸۹۹ مطلب مورد بررسی تنها ۵۱ مطلب دارای توصیف خشن هستند که در این میان، بیشترین توصیف صحنه‌های خشن روزنامه کیهان ۱۰۰ درصد، رسالت ۵۷/۱ درصد، اطلاعات ۱۰۰ درصد، یاس‌نو با ۶۶/۷ درصد به‌طور مستقیم بوده است و بیشترین نوع توصیف صحنه‌های خشن روزنامه‌های همشهری ۸۳/۳ درصد و اعتماد ۶۶/۷ درصد غیرمستقیم بوده است. همچنین از نظر توصیف صحنه‌های خشن، بیشترین فراوانی مربوط به روزنامه رسالت ۴۱/۴ درصد و کمترین آن مربوط به روزنامه اعتماد ۳/۴ درصد است. از سوی دیگر، بیشترین توصیف غیرمستقیم صحنه‌های خشن مربوط به روزنامه همشهری ۴۵/۵ درصد است و اطلاعات و کیهان هیچ مطلبی را که به‌طور غیرمستقیم وقایع خشن جنگ را توصیف کند، ندارد. به عبارت دیگر، میزان توصیف مستقیم صحنه‌های خشن بیش از توصیف غیرمستقیم است و با توجه به اینکه توجه به زوایای پنهان جنگ جزو مواردی است که در محتوای مطلب کمتر به آن توجه شده به نظر می‌رسد این فرضیه به اثبات رسیده باشد.

۴-۳. فرضیه سوم؛ در انعکاس اخبار مربوط به جنگ از منابع رسمی که معمولاً سعی می‌کنند اطلاعات را به نفع خود مصادره کنند، نقل شده است و منابع محلی و غیررسمی بین‌المللی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. تفاوت بین روزنامه‌های مورد بررسی از نظر منبع نقل گزارش درگیری

نام روزنامه							--	--
جمع	یاس‌نو	اعتماد	همشهری	اطلاعات	رسالت	کیهان	--	--
۸۵	۲۶	--	۳۰	۱۸	۷	۴	فراوانی	رهبران
۱۰۰	۳۰/۶	--	۳۵/۳	۲۱/۲	۸/۲	۴/۷	درصد سطری	
۶۳	۷۸/۸	--	۶۶/۷	۶۹/۲	۳۰/۴	۵۷/۱	درصد ستونی	
۵۰	۷	۱	۱۵	۸	۱۶	۳	فراوانی	منابع غیررسمی
۱۰۰	۱۴	۲۰	۳۰	۱۶	۳۲	۶	درصد سطری	
۳۷/۰	۲۱/۲	۱۰۰	۳۳/۳	۳۰/۸	۶۹/۶	۴۲/۹	درصد ستونی	
۱۳۵	۳۳	۱	۴۵	۲۶	۲۳	۷	فراوانی	جمع
۱۰۰	۲۴/۴	۰/۷	۳۳/۳	۱۹/۳	۱۷	۵/۲	درصد سطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی	

DF=۵

X²= ۱۶/۴۸۴

Sig= ۰/۰۰۶

Cramer's V= ۰/۳۴۹

با توجه به این جدول و نتیجه آزمون کای‌اسکوئر به عمل آمده به میزان ۱۶/۴۸۴ و درجه آزادی ۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۶ با قبول یک درصد خطا از نوع اول، نتیجه می‌گیریم تفاوت بین روزنامه‌های مورد بررسی از نظر نوع نقل گزارش از درگیری تفاوت معناداری وجود دارد؛ نتیجه آزمون کرامر برابر ۳۴۹ درصد نیز بیانگر همبستگی متوسط بین متغیرهای فوق‌الذکر است. از ۸۹۹ مطلب مورد بررسی تنها در ۱۳۵ مطلب از شخص یا گروه خاصی نقل قول شده است که روزنامه‌های مورد بررسی از نظر میزان توجه به منبع نقل قول گزارش به روش‌های مختلف عمل کرده‌اند؛ بدین صورت که روزنامه کیهان با ۵۷/۱ درصد، اطلاعات با ۶۹/۱ درصد، همشهری با ۶۶/۷ درصد و یاس‌نو با ۷۸/۸ درصد، بیشترین گزارش‌های خود را از زبان رهبران ارائه کرده‌اند، ولی روزنامه‌های رسالت با ۶۹/۶ درصد و اعتماد با ۱۰۰ درصد بیشترین گزارش‌های خود را از منابع غیررسمی ارائه کرده‌اند. اما از نظر میزان توجه به روزنامه‌های مختلف به منبع گزارش باید گفت که در میان روزنامه‌های مورد بررسی، روزنامه همشهری با

۳۵/۳ درصد، بیشترین نقل قول را از رهبران در گزارش‌هایش داشته است و روزنامه اعتماد با ۲ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین نقل قول از منابع غیررسمی را بین دیگر روزنامه‌های مورد بررسی به خود اختصاص داده است.

تمام روزنامه‌ها به جز رسالت و اعتماد درگیری میان عراق و ائتلاف را از قول رهبران و فرماندهان جنگ گزارش کرده‌اند ولی اعتماد و رسالت از منابع غیررسمی برای گزارش درگیری بهره برده‌اند. به عبارت دیگر این دو روزنامه سعی کرده‌اند فقط از منابع رسمی برای اطلاع‌یابی از اتفاق‌های عراق بهره نگیرند. روزنامه‌نگاری صلح سعی می‌کند اخبار وقایع را از درون درگیری‌ها منعکس کند و به زندگی روزمره مردم بپردازد و راه‌حل رفع درگیری را از دل زمینه‌های اجتماعی طرفین درگیری بیرون بکشد، اما همان‌طوری که گفته شد در روزنامه‌های مورد بررسی تعداد مطالبی که منبع آنها غیررسمی است، بسیار پایین است.

به این علت که بیشترین منابع ابتدای مطلب مربوط به خبرگزاری‌هاست و کمتر به منابعی همچون خبرنگار روزنامه توجه شده است. منبعی که خود می‌توانسته در محل درگیری حضور داشته باشد و مستقیم آن را گزارش کند و آن زمان میزان ناراستی‌ها و توجیه‌گری‌های منابع رسمی در نقل گزارش جنگ کمتر می‌شد. بنابراین، این فرضیه نیز ثابت می‌شود.

۴-۴. فرضیه چهارم؛ مؤلفه‌های اصلی روزنامه‌نگاری صلح در روزنامه‌های مورد بررسی رعایت نشده است:

راه‌حل‌گرایی؛ در میان روزنامه‌های مورد بررسی طی ۱۰ روز جنگ میان نیروهای ائتلاف و ارتش عراق میزان استفاده از این مؤلفه صلح در روزنامه‌های پایین است و تنها ۱۰ درصد مطالب از آن بهره برده‌اند. به عبارت دیگر، تنها در ۱۰ درصد مطالب تنظیم راه‌حل‌های پیشنهادی همراه با خلاقیت و ابتکار عمل در جهت رفع درگیری بکار گرفته شده است. رسالت بیشترین و اعتماد کمترین استفاده را از مؤلفه‌های راه‌حل‌گرایی کرده‌اند. در میان مؤلفه‌های راه‌حل‌گرایی بیشترین فراوانی مربوط به برجسته کردن عواقب غیرانسانی درگیری کمترین فراوانی مربوط به برجسته کردن نقطه‌نظرات مشترک طرفین درگیری و تلاش برای ایجاد اعتماد میان طرف‌های درگیر است.

جدول ۳. توزیع فراوانی مطالب جنگ و صلح بر حسب گرایش به مؤلفه راه‌حل‌گرایی

مؤلفه‌های راه‌حل‌گرایی	فراوانی	درصد ناخالص
برجسته کردن نقطه‌نظرات مشترک طرف‌های درگیری	۳	۳
تشویق طرف‌های درگیر برای رفع مناقشه	۱۳	۱/۴
استفاده از تصویر برای نشان دادن اعمال ناشایست دوطرف	۸	۹
استفاده از منابع مختلف خبری برای پوشش اخبار	۱۰	۱/۱
بهره‌گیری از دیدگاه‌های طرفداران رفع درگیری	۴	۰/۴
برجسته کردن عواقب غیر انسانی درگیری	۴۹	۵/۵
تلاش برای ایجاد اعتماد میان طرف‌های درگیر	۳	۳
مؤلفه راه‌حل‌گرایی ندارد	۸۰۹	۹۰
جمع	۸۹۹	۱۰۰

فرایندمداری؛ در میان روزنامه‌های مورد بررسی طی ۱۰ روز جنگ میان نیروهای ائتلاف و ارتش عراق تنها ۱۳/۵ درصد از مطالب فرایندمدار بوده‌اند. به عبارت دیگر، تنها ۱۳/۵ درصد از مطالب برای آگاهی مخاطبان و مردم راجع به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و سابقه پیدایش رویدادها نوشته‌اند و درگیری را از یک مسئله مجرد و منفک فراتر دیده‌اند و درکی منظم، قاعده مند و جامع را منتقل کرده‌اند. بیشترین مطالب فرایندمدار مربوط به روزنامه رسالت و کمترین آن متعلق به روزنامه اعتماد است. درمیان مؤلفه‌های فرایندمداری روزنامه‌ها بیشتر به ذکر تاریخچه و سابقه درگیری و گزارش از اثرات نامشهود و نامحسوس و پنهان درگیری توجه داشته‌اند و کمترین تمرکز آنان بر توجه به دلایل درگیری اخیر میان دو طرف است.

جدول ۴. توزیع فراوانی مطالب جنگ و صلح بر حسب پرداخت روزنامه‌ها به مؤلفه فرایندمداری

مؤلفه فرایندمداری	فراوانی	درصد ناخالص
توجه به اهداف و انگیزه‌های طرفین درگیری	۱۵	۱/۷
شناساندن طرف‌های درگیر	۱۳	۱/۴
شناساندن کسانی که این درگیری بهره می‌برند	۲۹	۳/۲
ذکر تاریخچه و سابقه درگیری	۳۰	۳/۳
توجه به دلایل درگیری اخیر میان دو طرف	۴	۰/۴
گزارش از اثرات نامشهود و نامحسوس و پنهان درگیری	۳۰	۳/۳
مؤلفه فرایندمداری ندارد	۷۷۸	۸۶/۵
جمع	۸۹۹	۱۰۰

حقیقت‌گرایی؛ در میان روزنامه‌های مورد بررسی طی ۱۰ روز جنگ میان نیروهای ائتلاف و ارتش عراق تنها ۱۱/۲ درصد از مطالب مؤلفه حقیقت‌گرایی داشته‌اند. به عبارت دیگر، تنها ۱۱/۲ درصد از مطالب ناراستی‌های همه طرف‌های درگیر را بازگو کرده است. روزنامه همشهری بیشترین و کیهان و رسالت کمترین مؤلفه‌های حقیقت‌گرایی را در مطالب خود رعایت کرده‌اند. به همین دلیل در میان مؤلفه‌های حقیقت‌گرایی، به انعکاس ناراستی‌های طرفین است بیشتر از بقیه مؤلفه‌ها توجه شده و کمترین تمرکز بر مؤلفه قطبی شدن درگیری است.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی مطالب جنگ و صلح بر حسب پرداخت روزنامه‌ها به مؤلفه حقیقت‌گرایی

مؤلفه حقیقت‌گرایی	فراوانی	درصد ناخالص
انعکاس اظهارات طرف‌های درگیر	۹	۱
انعکاس ناراستی‌های طرف‌های درگیر	۳۴	۳/۸
جلوگیری از قطبی شدن درگیری	۲	۰/۲
جانبداری نکردن از یک طرف	۲۸	۳/۱
توجه به شرافت و حقوق انسانی و مدنی طرفین	۱۹	۲/۱
مؤلفه حقیقت‌گرایی ندارد	۸۰۷	۸۹/۸
جمع	۸۹۹	۱۰۰

مردم‌گرایی؛ در میان روزنامه‌های مورد بررسی تنها ۱۲/۲ درصد از مطالب به مؤلفه مردم‌گرایی توجه نشان داده‌اند. یعنی بر رنج‌ها تاکید داشته‌اند و به انعکاس صدای کسانی که طرفدار صلح هستند پرداخته‌اند و علاوه صداهای بی‌صدا و خاموش را برجسته کرده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که روزنامه همشهری بیشترین و اطلاعات کمترین استفاده را از مؤلفه‌های مردم‌گرایی داشته‌اند. در میان مؤلفه‌های مردم‌گرایی برجسته کردن درد و رنج قربانیان (به‌ویژه کودکان، زنان و سالخورده‌گان) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و کمترین فراوانی مربوط به انعکاس نظرات و دیدگاه‌های مردم در مورد درگیری است.

از سوی دیگر در میان چهار مؤلفه اصلی روزنامه‌نگاری صلح مؤلفه مردم‌گرایی با ۱۲/۳ درصد از مطالب بیشترین فراوانی را داشته است و نشان می‌دهد روزنامه‌ها بیشتر به قربانیان و رنج دیدگان جنگ توجه داشته‌اند تا به حل منازعات، تاریخچه آن یا توجه به ناراستی‌های طرفین.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی مطالب جنگ و صلح بر حسب پرداخت روزنامه‌ها به مؤلفه مردم‌گرایی

درصد ناخالص	فراوانی	مؤلفه مردم‌گرایی
۸	۷	انعکاس نظرات و دیدگاه‌های مردم در مورد درگیری
۹/۳	۸۴	برجسته کردن درد و رنج قربانیان (به‌ویژه کودکان، زنان و سالخوردگان)
۲/۱	۱۹	انعکاس صداهایی که منابع رسمی خبری به آن توجهی ندارند
۸۷/۸	۷۸۹	مؤلفه مردم‌گرایی ندارد
۱۰۰	۸۹۹	جمع

۵. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش در پنج فصل سعی در تبیین مفهوم روزنامه‌نگاری صلح و نحوه انعکاس مؤلفه‌های آن در مطبوعات ایران داشت و به این بهانه برهه از زمان جنگ میان نیروهای ائتلاف و عراق در فروردین ۸۲ را برای آزمون متغیرهای خویش انتخاب کرد، شش روزنامه سراسری را مورد بررسی قرار داد. در نهایت نتایج نشان داد:

- میزان استفاده از مؤلفه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری صلح در دوره مورد بررسی و شش روزنامه انتخاب شده، کم است و آنچنان میزان استفاده از این ارزش‌ها مثبت و صلح‌آمیز پایین است که نمی‌توان گفت این ارزش‌ها از سر آگاهی و قصد وارد مطالب شده‌اند. به عبارت دیگر، به دلیل عدم آگاهی از آن به صورت ناخودگاه یا خودآگاه به سمت جنگ کشیده می‌شویم؛

- از سوی دیگر، به نظر می‌رسد جو ناشی از تمایل به حمایت از مظلومان در فضای رسانه‌ای ایران اشتراک هنجاری و ارزشی میان ردم‌گرایی (یکی از مؤلفه‌های روزنامه‌نگاری صلح!) و حمایت از مظلوم وجود دارد. این امر در جنگ عراق برخاسته از نوعی مجاورت معنوی میان ایران و عراق است؛

- روزنامه‌ها هرچند که سعی در انعکاس مظلومیت مردم عراق داشته است، اما کاملاً یک‌سویه و محدود به جنگ نگریسته‌اند و کمتر برای روشن کردن ابعاد و دامنه‌های جنگ تلاش کرده‌اند. به عبارت دیگر، تنها اشاره به زشتی‌های جنگ نمی‌تواند کارگشا باشد. چون هریک از طرفین می‌تواند با نشان دادن زشتی‌های طرف مقابل ضمن تحریک خودی‌ها به ادامه مناقشه بر آتش جنگ بیفزاید؛

- روزنامه‌ها خبرنگار اعزامی به مناطق جنگی نداشته‌اند و اخبار بیشتر از خبرگزاری‌ها و به‌ویژه از خبرگزاری‌های بزرگ خارجی نقل شده‌اند. خبرگزاری‌های داخلی نیز خود از خبرگزاری‌های

خارجی نقل قول کرده‌اند که آنها هم کمتر از کوران حادثه و وقایع در جریان و غیررسمی میان مردم عراق سخن گفته‌اند؛

- به نظر می‌رسد به همین دلیل باشد که روزنامه‌ها گزارش‌های توصیفی کمتری به چاپ رسانده‌اند و به جای گزارش‌های تحلیلی و تحقیقی ترجیح داده‌اند ابتدا فقط به مسئله درگیری میان دو طرف بپردازند. کاری که دیگر رسانه‌های عمده جهانی هم کرده‌اند و روزنامه‌های ایران نتوانستند در انعکاس اخبار و جلوگیری از درگیری و برافروخته شدن آتش آن ابتکار عمل را در دست بگیرند؛

- به نظر می‌رسد بخش مهمی از این گرایش به روزنامه‌نگاری جنگ در روزنامه‌های کشور، برخاسته از ناآگاهی و عدم آموزش صحیح خبرنگاران باشد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد هنوز خبرنگاران متوجه نقش اساسی خود در انعکاس دنیای بیرون و ساخت واقعیت مجازی برای مردم دنیا نیستند. مجموعه قوانین حقوقی و منشورهای اخلاقی نیز آن‌طور که باید و شاید در رفتار خبرنگاران درونی نشده است. از طرف دیگر، ارزش‌های مربوط به روزنامه‌نگاری مرسوم در دنیا و یکه‌تازی ارزش کشمکش باعث شده تا روزنامه‌نگاران بدون توجه به اینکه تأکید بر ادامه مناقشات در رسانه‌های آنان چه فاجعه‌ای می‌تواند بیافریند، همچنان قلب روزنامه‌نگاری‌شان برای پیدا کردن ارزش درگیری می‌تپد.

۶. پیشنهادها

بر این اساس ارائه راهکارهای لازم در جهت ارتقای اطلاعات و دانش خبرنگاران درباره روزنامه‌نگاری صلح، از سوی برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران رسانه‌ای کشور ضروری است. بدین منظور لازم است:

- لازم است در آموزه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری مرسوم تجدید نظر شود و در جهت شیوه‌های جدید ارزش‌های خبری، ارزش‌هایی همچون مدارا، تفاهم و صلح جای ارزش‌های درگیری و جنگ و خشونت را بگیرد؛

- لازم است به تصویب مرام‌نامه‌های اخلاقی مرتبط با صلح و الزام خبرنگاران در توجه به ارزش‌های اخلاقی مربوط به تفاهم و مدارا و صلح توجه بیشتری شود؛

- به نظر می‌رسد می‌توان چنین پژوهشی را در رابطه با دیگر رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون، که ضریب نفوذ بالایی در ایران دارد، به اجرا درآورد و ارزش‌های مربوط به رسانه صلح را در تلویزیون، رادیو و فضای وب و رسانه‌های اجتماعی بازتعریف کرد؛

- به نظر می‌رسد به این دلیل مفهوم صلح امری انتزاعی است و در زمینه‌های مختلف رسانه‌ای شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد، بهتر است پژوهش دیگری به روش تحلیل گفتمان برای بیرون کشیدن ارزش‌ها و مؤلفه‌های صلح در روزنامه‌های ایران انجام شود؛

- هرچند روزنامه‌نگاری صلح به عنوان مفهومی جایگزین در بحث‌های روزنامه‌نگاری مطرح است و نمی‌توان به کل از روزنامه‌نگاران خواست که شیوه‌های مرسوم را کنار بگذارند و پی ارزش‌های مربوط به روزنامه‌نگاری صلح بروند، اما می‌توان گفت که جای آموزش این شیوه جایگزین در مراکز آموزشی کشور خالی است و بهتر است دروسی با این موضوع تدریس شوند؛

- متأسفانه همایش‌ها و سمینارهای بسیار کمی با این موضوع در کشور برگزار شده است و ضرورت برپایی چنین سمینارهایی از سر آن است که صاحب‌نظران داخلی و خارجی می‌توانند در این زمینه به بحث و تبادل نظر بپردازند. با این کار پژوهشگران و دانشجویان به مطالعه در زمینه صلح تشویق می‌شوند و ادبیات مربوط به این شیوه روزنامه‌نگاری را ارتقاء می‌یابد؛

- شناخت و آموزش مدارا و تفاهم و صلح پیش‌زمینه گرایش به روزنامه‌نگاری صلح است؛ یعنی تا زمانی که آموزش‌های مربوط به صلح در مراکز آموزشی کشور (از ابتدایی تا دانشگاه) برای افراد درونی نشود، نمی‌توان انتظار داشت که آنان روزنامه‌نگاران صلح‌طلب خوبی شوند.

منابع و مأخذ

- افتخاریان، محمدحسین (۱۳۸۰). **دانشنامه جنگ و صلح**، تهران: انتشارات مسلم.
- انفرادی، فتانه (۱۳۸۷). «**بررسی میزان انطباق فعالیت‌های حرفه‌ای خبرنگاران خبرگزاری‌های کشور با روزنامه‌نگاری صلح**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی.
- باگدیکیان، بناج (۱۳۸۵). «**انحصار نوین رسانه‌ای**، ترجمه علی‌رضا عبادتی، تهران: انتشارات روایت فتح.
- بدیعی، نعیم (۱۳۶۹). «**معیارهای گزینش خبر، کدام خبر؟ چرا؟**»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۱: ۴۵-۴۰.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۶). «**روش تحلیل محتوا**»، **نمایه پژوهش**، شماره ۳ و ۴، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بوتول، گاستون (۱۳۷۱). «**جامعه‌شناسی جنگ**، ترجمه هوشنگ خجسته‌فر، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ذکاوئی قراگوزلو، محمد (۱۳۸۳). «**برهمکنش رسانه‌ها پیش نیاز تحقق ایده گفتگو تمدن‌ها**»، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خبرگزاری‌ها، ائتلاف برای صلح**، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- سمتی، محمد مهدی (۱۳۸۵). «**عصر سی.ان.ان و هالیوود (منافع ملی، ارتباطات فراملی)**»، ترجمه نرجس خاتون براهوئی، تهران: نشر نی.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۳). «**مبانی گزارشگری صلح**»، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خبرگزاری‌ها، ائتلاف برای صلح**، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۳). «**آسیب‌شناسی توجه به صلح در رسانه‌ها**»، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خبرگزاری‌ها، ائتلاف برای صلح**، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۸۲). «**مبانی حقوقی بین‌المللی گزارشگری برای صلح**»، چاپ اول، تهران: انتشارات خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا).

- Diamond, Louise & Ambassador John McDonald (1996). "**Multi-Track Diplomacy: A Systems Approach to Peace**" Third Edition. West Hartford, CT: Kumarian Press.
- Galtung, J(1992) **Communication and culture in war and peace**, Newbury Park, CA: Sage.
- Gilboa, Eytan, (2006), **Media and International Conflict**, the SAGE Handbook of Conflict Communication, SAGE Publications, London.
- Hanitzsch, Thomas(2004), **Journalists as Peacekeeping Force?** Peacejournalism and mass communication theory, Journalism Studies, Volume 5, No 4
- Irvan, Suleyman,(2006), **Peace Journalism as a Normative Theory: Premises and Obstacles**,GMJ: Mediterranean Edition.
- Lynch, Jack, Elizabeth McGoldrick, (2005),**Peace Journalism**,London: Hawthorn Press.
- Perez, Marianne H (2006). "**Moving Mainstream Media Towards a Culture of Peace**" MA thesis, European University Center for Peace Studies Stadtschlaining/Burg, Austria.